

تحلیل اثرگذارترین مؤلفه های مدیریتی، زیرساختی و انسانی بر توسعه فیوژن فیتنس؛ تلفیق روش گراند تئوری و مدل سازی کمی

رز آزادی^۱ * و نسترن سلیمی^۲

۱- کارشناسی ارشد رشته مدیریت ورزشی، گرایش مدیریت راهبردی در سازمان های ورزشی، موسسه آموزش عالی غیردولتی علامه قزوینی، استان قزوین، ایران
 ۲- استادیار، موسسه آموزش عالی غیردولتی علامه قزوینی، استان قزوین، ایران.

چکیده

ورزش فیوژن فیتنس به عنوان یکی از شاخه های نوین ورزش های همگانی، با ترکیب تمرینات قدرتی، استقامتی، انعطافی و ریتمیک، طی سال های اخیر مورد توجه نسل جوان و بانوان در ایران قرار گرفته است. با وجود ظرفیت بالای این رشته در ارتقای سلامت و نشاط اجتماعی، توسعه پایدار آن با چالش هایی جدی در حوزه های مدیریت، زیرساخت و منابع انسانی مواجه است. این پژوهش با هدف شناسایی و اولویت بندی مؤلفه های اثرگذار بر توسعه فیوژن فیتنس در ایران و ارائه راهکارهای عملیاتی، از رویکرد ترکیبی گراند تئوری و مدل سازی کمی دیمتل فازی بهره گرفته است. در بخش کیفی، داده ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۶ نفر از خبرگان و مدیران ورزشی به روش گلوله برفی گردآوری شد. تحلیل محتوای مصاحبه ها منجر به استخراج ۲۰ کد اولیه گردید که پس از کدگذاری محوری در شش مقوله اصلی «مدیریت اثربخش، توسعه زیرساخت، منابع انسانی، حمایت نهادی، فرهنگ سازی و رسانه، و نوآوری و فناوری» ادغام شدند. این مقوله ها به عنوان پایه های مدل نظری توسعه فیوژن فیتنس تعیین گردیدند. در بخش کمی، برای سنجش و رتبه بندی عوامل از تکنیک دیمتل فازی استفاده شد. پرسشنامه مقایسه زوجی میان ۱۵ نفر از خبرگان تکمیل گردید و نتایج نشان داد «مدیریت اثربخش» با امتیاز ۰.۸۲ مهم ترین عامل توسعه است. پس از آن، «توسعه زیرساخت» (۰.۷۶)، «منابع انسانی» (۰.۷۱)، «حمایت نهادی» (۰.۶۸)، «فرهنگ سازی و رسانه» (۰.۶۵) و نهایتاً «نوآوری و فناوری» (۰.۶۰) در رتبه های بعدی قرار گرفتند. یافته ها بیانگر آن است که ضعف مدیریت تخصصی و سیاست زدگی، کمبود زیرساخت های مناسب، و فقدان منابع انسانی ماهر، از مهم ترین موانع توسعه این رشته محسوب می شوند و بهبود هر کدام می تواند بر سایر مؤلفه ها نیز اثر مثبت بگذارد. نتیجه گیری پژوهش تأکید دارد که توسعه پایدار فیوژن فیتنس مستلزم رویکردی جامع نگر و هم افزایی میان ابعاد مدیریتی، زیرساختی، انسانی، نهادی، فرهنگی و فناورانه است.

کلیدواژگان: فیوژن فیتنس، مدیریت ورزشی، توسعه ورزش، زیرساخت ورزشی، منابع انسانی

مقدمه

ورزش و فعالیت های بدنی نقش کلیدی در پویایی، سلامت، امید اجتماعی و ایجاد هویت جمعی دارند و امروزه به عنوان یکی از ابزارهای اصلی توسعه پایدار در جوامع محسوب می شوند. تحولات اجتماعی، فرهنگی و سبک زندگی نوین موجب شده است ورزش کارکردهای گسترده تری در ابعاد سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و حتی اقتصادی به خود بگیرد. در این میان، شاخه های نوین و خلاقانه همچون فیوژن فیتنس با تلفیق سبک های مختلف تمرینی و بهره گیری از ویژگی های چندگانه، توانسته اند توجه قشرهای متنوع به ویژه جوانان و بانوان را به خود جلب کنند (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۰).

ورزش فیوژن فیتنس، به عنوان ترکیبی نو در میان رشته های همگانی، با توانایی تلفیق تمرینات قدرتی، ریتمیک، استقامتی و انعطافی، فضایی فعال و مفرح برای طیف وسیعی از جمعیت کشور فراهم ساخته است. این رشته، به دلایل انعطاف پذیری و پویا بودن، به سرعت در حال گسترش است و می تواند سهم عمده ای در گسترش فرهنگ ورزش برای همه و ارتقاء سلامت جامعه ایفا کند. با این وجود، توسعه ورزش های جدید همواره با چالش هایی مواجه است که از مهم ترین آن ها می توان به فقدان مدل های مدیریتی مناسب، محدودیت زیرساخت های لازم، نبود سرمایه انسانی آموزش دیده و عدم فرهنگ سازی کافی در بین عموم اشاره کرد. این موضوع نشان می دهد که رشد و نهادینه سازی فیوژن فیتنس نیاز به اقدامات هدفمند، جامع و چندبعدی در مدیریت ورزشی کشور دارد (افشاری پور و همکاران، ۱۴۰۰).

از سوی دیگر، روند جهانی شدن، گسترش فناوری و افزایش اهمیت ورزش در سطح ملی و بین المللی، ضرورت توجه بیشتر به توسعه و حمایت از رشته های نوینی مانند فیوژن فیتنس را به نمایش می گذارد. با گسترش مشارکت اجتماعی در ورزش، رشد صنعت ورزش و ارتباط آن با سایر بخش های اقتصادی، رویکرد کشورهای پیشرو به سمت آموزش، توسعه زیرساخت ها و اصلاح مدیریت ورزشی معطوف شده است (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۲). متولیان امر ورزشی نیز می بایست از الگوهای اثربخش جهانی بهره گرفته و با بومی سازی سیاست ها، موانع ساختاری و فرهنگی پیشرو را شناسایی و مرتفع سازند. این موضوع، اهمیت بالای پژوهش های کاربردی را در حوزه ورزش های نوین نشان می دهد؛ پژوهش هایی که با رویکردی ترکیبی، هم مولفه های مدیریتی و انسانی را تحلیل می کنند و هم با روش های نوین مدلسازی، راهکارهای عملی ارائه می دهند.

بررسی تجربه کشورهای توسعه یافته نشان می دهد، موفقیت در توسعه ورزش های نوظهور تا حد زیادی وابسته به زیرساخت های نرم افزاری شامل آموزش، انگیزش، مدیریت کارآمد و همچنین زیرساخت های فیزیکی نظیر دسترسی به باشگاه، تجهیزات مناسب و فضاهای استاندارد است. در ایران نیز افزایش آگاهی عمومی نسبت به اهمیت ورزش، ارتقاء سطح سواد تربیت بدنی، سیاست گذاری هوشمندانه و حمایت های نهادی می تواند موجب تحرک متفاوت و تأثیرگذار در رشد فیوژن فیتنس گردد. افزون بر این، با توجه به نقش محوری تبلیغات، رسانه و شبکه های فضای مجازی در فرهنگ سازی و ایجاد انگیزه برای آغاز ورزش در اقشار مختلف جامعه، استفاده از این ظرفیت ها فرصتی راهبردی برای هدایت اذهان و جذب مشارکت عمومی تلقی می شود.

با وجود ظرفیت بالای ورزش فیوژن فیتنس برای همه گروه های سنی و اجتماعی، این رشته هنوز جایگاه بایسته خود را میان رشته های همگانی ایران پیدا نکرده است. بسیاری از افراد با ماهیت و مزایای آن آشنایی کافی ندارند و اغلب امکانات

و زیرساخت های مورد نیاز نیز به اندازه کافی توسعه نیافته اند. همچنین چالش هایی همچون کمبود مربیان آموزش دیده، نبود سیاست های حمایتی منسجم، موانع فرهنگی، ناآگاهی والدین و همچنین محدودیت منابع مالی، باعث شده این ورزش هنوز نتواند به عنوان یک سبک زندگی پویا در جامعه ایرانی فراگیر شود.

کارآمدی و پویایی مدیریت در ورزش های نوین، با هدف افزایش مشارکت زنان و جوانان، مستلزم سیاست زدایی، ایجاد نگاه راهبردی و سپردن مدیریت رشته به افراد صاحب نظر و متخصص است. از همین رو، پژوهش حاضر در پی آن است تا با رویکردی علمی و تحلیلی، ضمن شناسایی دقیق مولفه های مدیریتی، زیرساختی و انسانی مؤثر بر توسعه فیوژن فیتنس، به اولویت بندی آن ها به روش کمی و مدلسازی فازی نیز بپردازد. یافته های این تحقیق می تواند به سیاست گذاران، مدیران، مربیان و فعالان حوزه ورزش کشور در تدوین برنامه های هدفمند، کارآمد و پوشش دهنده نیازهای واقعی این رشته نوپا کمک کند.

چهارچوب تحلیلی این تحقیق، علاوه بر پشتیبانی از اهداف علمی رشته مدیریت ورزشی، چشم اندازی عملی برای طراحان سیاست های حمایتی و فعالان این حوزه فراهم می آورد تا بتوانند با بینش عمیق تر، گام های مؤثرتری برای فراگیر شدن ورزش فیوژن فیتنس به عنوان الگویی از ورزش های نسل جدید بردارند. همچنین، توجه به اهمیت توسعه سرمایه انسانی، ایجاد و ارتقای بسترهای زیرساختی مناسب و تدوین برنامه های فرهنگی و تبلیغی، از جمله محورهایی است که در این پژوهش مدنظر قرار گرفته و می تواند زمینه ساز تحول مثبت در جامعه ورزشی کشور باشد. این پژوهش بر آن است تا با استفاده از تلفیق روش های کیفی و کمی، مدلی جامع و عملیاتی برای توسعه فیوژن فیتنس ارائه دهد تا در آینده نزدیک شاهد ارتقاء جایگاه این ورزش، افزایش مشارکت اجتماعی و بهبود سلامت همگانی در ایران باشیم.

۱-۱. ضرورت پژوهش

با توجه به گسترش و تنوع روزافزون رشته های ورزشی، توجه به ورزش های نوین و کم تر شناخته شده، اهمیت ویژه ای یافته است. فیوژن فیتنس به عنوان یکی از شاخه های جدید ورزش های همگانی، به جهت مزایایی همچون شادابی، انعطاف پذیری، قابلیت اجرا برای تمامی گروه های سنی و جنسیتی، فرصتی مهم برای افزایش مشارکت بدنی و ارتقاء سلامت جامعه ایجاد کرده است. با این وجود، این رشته در ایران هنوز نتوانسته جایگاه واقعی خود را در میان عموم مردم پیدا کند و چالش هایی جدی در مسیر توسعه آن، همچون کمبود مدیریت تخصصی، ضعف زیرساخت، کمبود نیروی انسانی ماهر، نبود حمایت های نهادی و موانع فرهنگی وجود دارد (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۰).

در شرایط کنونی، وجود پژوهش های بومی و کاربردی با تکیه بر روش های علمی و جامع، ضرورتی غیرقابل انکار برای شناسایی این موانع و ارائه راه حل استراتژیک است. آشکار است که بدون درک صحیح از عوامل اثرگذار و اولویت بندی شاخص های کلیدی، ارائه برنامه های اجرایی و سیاست های عملیاتی امکان پذیر نخواهد بود. به ویژه، نگاه تلفیقی به مؤلفه های مدیریتی، زیرساختی، منابع انسانی و فرهنگی می تواند نیازهای واقعی این رشته را مشخص و آسیب های احتمالی را شفاف کند (افشاری پور و همکاران، ۱۴۰۰). افزون بر این، نتایج حاصل از پژوهش حاضر می تواند مبنایی برای بازنگری سیاست های جاری ورزشی، تخصیص منابع، تدوین برنامه های آموزشی و ایجاد مدل های مدیریتی جدید قرار گیرد. همچنین با توجه به کمبود مطالعات علمی در زمینه ورزش فیوژن فیتنس و فضای خالی پژوهشی در این حوزه،

این مطالعه به غنای ادبیات نظری و کاربردی کشور نیز کمک شایانی خواهد کرد. بنابراین انجام چنین پژوهشی هم از منظر علمی و هم از دیدگاه عملی و اجرایی، برای ارتقای جایگاه فیوژن فیتنس در عرصه ورزش ایران کاملاً ضروری و حیاتی است.

۲. فرضیه های پژوهش

در راستای هدف کلی پژوهش مبنی بر شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر توسعه ورزش فیوژن فیتنس، فرضیه های زیر طراحی شده اند:

۱. بین مؤلفه های مدیریتی و توسعه ورزش فیوژن فیتنس ارتباط معناداری وجود دارد.
 ۲. میان زیرساخت های ورزشی و استقبال و مشارکت عمومی در رشته فیوژن فیتنس رابطه مثبت و مؤثری برقرار است.
 ۳. منابع انسانی، از جمله مربیان متخصص و نیروی آموزش دیده، نقش مهمی در رشد و توسعه این رشته دارند.
 ۴. مشارکت و حمایت های نهادی و سیاستی بر میزان توسعه و فراگیری ورزش فیوژن فیتنس تأثیرگذار است.
 ۵. وجود برنامه ریزی راهبردی و سیاست گذاری علمی، موجب افزایش سرعت و کیفیت توسعه فیوژن فیتنس خواهد شد.
 ۶. آگاهی و فرهنگ سازی مثبت نسبت به ورزش های نوین در موفقیت و نهادینه سازی فیوژن فیتنس نقش کلیدی دارد.
- این فرضیه ها به شکل عملیاتی، مبنای گردآوری داده ها، تحلیل یافته ها و ارائه راهکارهای پیشنهادی در پژوهش حاضر قرار خواهند گرفت.

۳. پیشینه پژوهش

امروزه توسعه ورزش های نوین، با محوریت خلاقیت، ترکیب مهارت های چندگانه، نوآوری و افزایش مشارکت عمومی، در جهان به عنوان یکی از شاخص های پیشرفت جوامع و ارتقای سطح سلامت اجتماعی شناخته می شود. فیوژن فیتنس که یکی از نمودهای برجسته این جریان است، نیازمند بستری علمی-کاربردی برای شناخت عوامل محیطی، مدیریتی، زیرساختی و انسانی می باشد. مروری نظام مند بر شواهد پژوهشی گذشته، می تواند به تبیین گرایش ها و آینده پژوهی توسعه این رشته در ایران کمک کند. در این چارچوب، علاوه بر بررسی مفهومی فیوژن فیتنس و اهمیت آن، به مدل های نظری، نقش سیاست گذاری و موانع حضور و مشارکت افراد، اهمیت نوآوری فناورانه و تجربه های داخلی و جهانی پرداخته می شود.

ورزش فیوژن فیتنس (Fusion Fitness) به عنوان رویکردی تلفیقی، حاصل ادغام سبک های مختلف تمرینی و حرکتی است. این رشته به دلیل تلاقی جنبه های فنی، روان شناختی و اجتماعی ورزش توانسته است جایگاهی نو در ارتقای سلامت و نشاط اجتماعی یابد. پژوهشگران، مزایای متعدد فیوژن فیتنس، یعنی افزایش دامنه انتخاب تمرینات، کاهش یکنواختی

و خستگی ذهنی، ارتقای حس جمعی و اجتماعی، و ایجاد انگیزه مستمر برای مشارکت را در مطالعات خود مورد تأکید قرار داده اند

کرانک^۱ و اکتیپیس^۲ (۲۰۱۸) با بررسی تعامل زیست رفتاری الگوهای تمرینی، نشان می دهند که ورزش های تلفیقی، سازگاری های ذهنی و جسمی بیشتری را برای شرکت کنندگان رقم می زنند. کلر^۳ (۲۰۰۷) اشاره می کند که ترکیب عناصر نو و رویکردهای گروهی در تمرین، نقش مهمی در حفظ سلامت روان و افزایش رضایت فردی دارد. واندربورگ^۴ (۲۰۱۶) نیز باور دارد که خلق تجربه ای نوآورانه و لذت بخش، نه تنها باعث افزایش مشارکت می شود، بلکه پایداری حضور زنان و نوجوانان را در ورزش های نوین افزایش می دهد. لی^۵ و همکاران (۲۰۱۱) در مطالعه ای تجربی بر اهمیت تنوع تمرین، تعامل اجتماعی و استقبال از فناوری های جدید برای تسهیل ارتباط و یادگیری تأکید می کنند.

توسعه ورزش، تابع سیاست گذاری های کلان و مدل سازی های سازمانی است که لزوماً از بسترهای اجتماعی، اقتصادی، و مدیریتی متأثر می شود. روث^۶ و همکاران (۲۰۱۳) می نویسند که مدل های یکپارچه، بستر اصلی برای هم افزایی بین سازمان ها و ذینفعان هستند و باعث ارتقای ضمنی کارکردها می شوند. ایشان همچنین الگوی همکاری فرابخشی بین باشگاه ها، دولت و بنگاه های خصوصی را در توسعه ورزش مشهود می دانند. سیج^۷ (۲۰۱۵) توسعه ورزش همگانی را نیازمند «رهبری مشارکتی و مسئولیت پذیری اجتماعی» معرفی می کند که شبکه های انسانی و اقتصادی را به هم متصل می کند. شولنکرف^۸ (۲۰۱۷) تأکید می کند سازمان یافتگی و نوآوری، محور مدل سازی موفقیت آمیز در ورزش های مدرن است.

توسعه ورزش های نوآور، به شدت تحت تأثیر مؤلفه های فردی، زیرساختی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد. افشاری پور و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود با رویکرد آمیخته، نشان می دهند که توانمندسازی منابع انسانی، نهادسازی و سیاست گذاری دولتی، نقش تعیین کننده ای در شکوفایی ورزش های جدید، به ویژه برای زنان و کودکان دارد. سعیدی و همکاران (۱۳۹۰) نیز تأکید دارند فقدان نظام شناسایی استعداد، کمبود حمایت مالی، مشکلات جنسیتی و تفاوت های فرهنگی، مهم ترین موانع توسعه هستند. در مطالعات مهاجران و اقلیت ها، پوژا ساوریکار^۹ و کریستی^{۱۰} (۲۰۱۰) بازنمایی چالش هایی مانند عوامل فرهنگی و عدم دسترسی برابر به زیرساخت را پررنگ می دانند.

شواهد بین المللی نیز نشان می دهد که تحقق مشارکت گسترده و رشد ورزش های نوین، نیازمند توجه به طبقات اجتماعی، فرهنگ و سیاست های حمایتی است.

^۱ Cronk

^۲ Aktipis

^۳ Keller

^۴ Vanderburg

^۵ Li

^۶ Rowe

^۷ Sage

^۸ Schulenkorf

^۹ Pooja Sawrikar

^{۱۰} Kristy

در دهه اخیر تأکید روی خصوصی سازی و سرمایه گذاری نوین، محور بسیاری از سیاست های موفق ورزشی در جهان بوده است. عاید^{۱۱} (۲۰۲۵) تطبیق تجربه خصوصی سازی باشگاه ها را با رشد ورزش های حرفه ای و افزایش انگیزه سرمایه گذاران بررسی کرد و نشان داد که ایجاد محیط رقابتی، منجر به رشد و پایداری اقتصادی ورزش می شود. حسن و همکاران (۲۰۲۴) اهمیت راه اندازی شتاب دهنده های ورزشی، حمایت از استارت آپ ها و ایجاد زیرساخت های فناوری محور را برای جذب منابع مالی و گسترش بازار هدف شرح می دهند. مومن فر و همکاران (۱۴۰۰) معتقدند فعال سازی بخش خصوصی، پیش نیاز موفقیت و بقای ساختارهای ورزشی و یکی از الزامات تحقق اهداف اسناد بالادستی ایران است.

تحول فناوریانه در ورزش های مدرن و به ویژه رویکرد فیوژن، شرایطی را ایجاد کرده تا بهره گیری از سنسورها، داده های کلان، یادگیری ماشین و اینترنت اشیا فرآیند آموزش، ارزیابی و مدیریت عملکرد را متحول کند. لی و همکاران (۲۰۱۱) مدل سرویس دهی مبتنی بر سنسورهای ادغامی را ارائه دادند که سهولت ارزیابی برخط عملکرد و افزایش تجربه کاربران را موجب می شود. زین الدین^{۱۲} و همکاران (۲۰۱۷) و ژو^{۱۳} (۲۰۲۴) تحلیل کلان داده مبتنی بر رفتار حرکتی و بازخورد دیجیتال را لازمه آموزش شخصی سازی شده ورزشکاران می دانند. پاپاکوستاس^{۱۴} و همکاران (۲۰۱۷) نیز مطالعاتی بر طراحی و ادغام سنسورها برای تسهیل دسترس پذیری و ثبت پیشرفت ورزشکاران انجام داده اند.

یکی از بخش های مهم پژوهش های اخیر، تأکید بر همگرایی سیاست های جهانی و بومی برای توسعه ورزش های نوین و همگانی است. علیزاده و همکاران (۱۴۰۲) با متاسنتر پژوهش ها، عوامل موفقیت ورزش های تیمی و تأثیر فرهنگ سازمانی، سیاست گذاری مناسب و امکان سنجی مناطق جغرافیایی را در ایران شناسایی کرده اند. رانزدل^{۱۵} و همکاران (۲۰۰۹) تجربه استفاده از برنامه های آموزشی و رسانه ای و اثر آن در گسترش مشارکت را بررسی کرده اند. شولنگرف (۲۰۱۷) و سیدامیری و بارد محمدالق (۱۳۹۲) نیز ضرورت فرهنگ سازی و استاندارد سازی را مطرح می کنند. راسخی (۱۳۸۶) تأکید دارد که برنامه ریزی استراتژیک و آموزش مستمر، عامل اصلی ماندگاری و موفقیت ورزش های جدید است. در جمع بندی، می توان بیان داشت که توسعه رشته های نوینی مانند فیوژن فیتنس، وابسته به مجموعه ای از عوامل ساختاری، مدیریتی، نوآوری فناوریانه، فرهنگ سازی، خصوصی سازی و حمایت های نهادی است. بهره گیری از مدل های مشارکتی، استفاده از فناوری، تنوع در آموزش، جذب سرمایه و حرکت از رویکرد بالا به پایین به سمت مدل های جامعه محور، از مهم ترین یافته ها و رهنمودهای ادبیات پژوهش این حوزه تلقی می شود.

۴. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش، یک مطالعه ترکیبی (آمیخته) است که با بهره گیری همزمان از روش های کیفی (گراندد تئوری) و کمی (مدلسازی دیمتلفازی) انجام شده است. رویکرد ترکیبی این پژوهش امکان بهره برداری از عمق داده های کیفی به منظور شناسایی جامع مؤلفه ها و نیز اعتبارسنجی و اولویت بندی یافته ها با ابزارهای

^{۱۱} Ayed

^{۱۲} Zainudin

^{۱۳} Zhou

^{۱۴} Papakostas

^{۱۵} Ransdell

کمی را فراهم ساخته است. انتخاب این رویکرد مطابق با ماهیت چندوجهی موضوع، یعنی بررسی توسعه ورزش فیتنس فیتنس، اتخاذ شده و امکان پوشش نقاط ضعف هر یک از روش ها و تعمیق تحلیل را ایجاد نموده است.

مطالعه حاضر در دو مرحله مجزا اما پیوسته اجرا گردید:

الف) مرحله کیفی:

در این مرحله، تمرکز پژوهش بر شناسایی عوامل کلیدی تاثیرگذار بر توسعه رشته ورزش فیتنس قرار داشت. داده های کیفی از طریق مصاحبه های نیمه ساختاریافته با خبرگان، صاحب نظران و مدیران ارشد ورزشی جمع آوری شد. نمونه گیری به روش گلوله برفی و با توجه به اصل اشباع داده انجام پذیرفت؛ بدین معنا که مصاحبه ها تا زمانی ادامه یافت که داده های جدیدی حاصل نشود و اشباع مفهومی رخ دهد. مجموعاً با تعداد ۱۶ نفر از استادان دانشگاه، مدیران باشگاه ها، صاحب نظران فدراسیون ورزش های همگانی و مربیان ارشد فیتنس گفتگو انجام شد. سؤالات مصاحبه با هدف شناسایی انواع موانع، چالش ها، عوامل مدیریتی، زیرساختی و انسانی - فرهنگی موثر بر توسعه فیتنس طراحی گردید. محتوای مصاحبه ها پس از اخذ رضایت آگاهانه مشارکت کنندگان، ضبط و سپس به صورت کلمه به کلمه پیاده و ثبت گردید. برای افزایش اعتبار داده ها، بخش هایی از مصاحبه ها توسط مشارکت کنندگان بازبینی و تأیید شد.

ب) مرحله کمی:

یافته های مرحله کیفی پس از کدگذاری و استخراج مولفه ها، به مرحله کمی راه یافتند تا با استفاده از تکنیک دیمتل فازی به اولویت بندی و تعیین میزان تأثیرگذاری عوامل پرداخته شود. بدین منظور پرسشنامه ای مبتنی بر نتایج کدگذاری طراحی شد که شامل جفت سؤالات مقایسه ای بین هر یک از عوامل شناسایی شده بود. این پرسشنامه در اختیار همان گروه خبرگان و جمعی دیگر از متخصصان حوزه ورزش (در مجموع ۱۵ نفر) قرار گرفت. پاسخ دهندگان بر اساس طیف عددی فازی و با تبیین روابط علی و تأثیر هریک از عوامل بر دیگری، پرسشنامه را تکمیل کردند. داده های حاصل پس از جمع آوری، وارد نرم افزار اکسل شده و مطابق روش استاندارد تحلیل دیمتل فازی پردازش شدند.

۴-۱. جامعه آماری و نمونه گیری

جامعه آماری بخش کیفی پژوهش عبارت بود از کلیه متخصصان و صاحب نظران حوزه ورزش فیتنس، مدیران اجرایی فدراسیون ورزش های همگانی و مربیان ارشد فعال در این رشته که سابقه مدیریتی یا تخصصی بیش از ۳ سال داشتند. انتخاب نمونه به شیوه هدفمند و مبتنی بر معیارهای تخصص و تجربه صورت گرفت و نمونه گیری تا اشباع داده ادامه یافت.

در مرحله کمی، جامعه پژوهش شامل خبرگان و متخصصانی بود که تسلط کافی بر عوامل مدیریتی، زیرساختی و منابع انسانی در حوزه ورزش فیتنس داشتند. در نهایت، پرسشنامه های دیمتل فازی توسط ۱۵ نفر تکمیل شد و نمونه گیری به روش هدفمند انجام گرفت.

۴-۲. ابزار گردآوری داده ها

در بخش کیفی، ابزار اصلی مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. به منظور تدوین سؤالات مصاحبه، پیش مطالعه ای بر ادبیات داخلی و جهانی، سوابق اجرایی و بازخوردهای خبرگان انجام شد. صحت و روایی سؤالات از طریق بازبینی چند متخصص مورد ارزیابی قرار گرفت. در بخش کمی، ابزار پژوهش پرسشنامه دیمتل فازی بود که پس از استخراج عوامل از مرحله گراند تئوری و تأیید روایی محتوایی، میان خبرگان توزیع شد. این پرسشنامه به گونه ای طراحی شده بود که روابط علی و معلولی بین تمامی عوامل به صورت دوه دو و فازی مورد سنجش قرار گیرد.

۳-۴. روش تحلیل داده ها

در بخش کیفی، تحلیل داده ها با استفاده از روش گراند تئوری (کدگذاری باز، محوری و انتخابی) انجام گرفت. پس از مطالعه دقیق هر مصاحبه، مفاهیم اولیه استخراج، دسته بندی و به طبقات اصلی و فرعی تقسیم شد. در انتها، مدل مفهومی اولیه بر اساس سازوکارهای گراند تئوری ترسیم گردید. در بخش کمی، برای اولویت بندی و تحلیل تاثیر عوامل از تکنیک DEMATEL فازی استفاده شد. این روش امکان تعیین جهت و شدت روابط علی بین عوامل و تعیین عوامل مؤثر و متأثر را به صورت فازی و عددی فراهم ساخته است. داده های حاصل، با استفاده از برنامه نویسی اکسل و مراحل استاندارد تشکیل ماتریس های فازی، نرمال سازی، تجمیع و تحلیل شدت تأثیر گذاری) تحلیل گردیدند.

۴-۴. ملاحظات اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش، اصول اخلاق پژوهشی از جمله کسب رضایت آگاهانه، حفظ محرمانگی اطلاعات، و حق قطع همکاری در هر زمان رعایت گردید. مشارکت کنندگان با آگاهی از هدف، ماهیت و نحوه استفاده از داده ها وارد مطالعه شدند و نام و اطلاعات هویتی ایشان به طور کامل محرمانه باقی ماند.

۵. یافته های پژوهش

یافته های این پژوهش ترکیبی (گراند تئوری و دیمتل فازی)، با هدف شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر توسعه ورزش فیوژن فیتنس در ایران، در چهار بخش اصلی ارائه می شود. ابتدا نتایج تحلیل کیفی داده های مصاحبه (شامل استخراج کدهای اولیه و ثانویه و طبقه بندی مؤلفه ها) آورده شده و سپس نتایج بخش کمی (رتبه بندی عوامل بر اساس دیمتل فازی) به تفصیل تشریح می گردد.

۵-۱. نتایج مرحله اول: کدگذاری اولیه (باز)

در مرحله نخست تحلیل کیفی، پس از انجام مصاحبه های نیمه ساختاریافته با خبرگان منتخب، عبارات و مضامین کلیدی شناسایی شد. کدگذاری باز با هدف استخراج مفاهیم مستقل از بیانات، انجام و در نهایت بیست کد کلیدی به دست آمد که در زیر مشاهده می کنید:

جدول ۱. نمونه‌ای از کدگذاری اولیه مصاحبه‌ها

ردیف	مفهوم استخراج شده	نمونه عبارت شرکت کننده
۱	اهمیت نقش مدیریت	«نبود مدیران متخصص، سبب عدم انسجام برنامه‌هاست.»
۲	زیرساخت نامناسب	«کمبود سالن ورزشی مجهز یک مانع جدی است.»
۳	کمبود نیروی انسانی ماهر	«ما مربی مجرب به اندازه کافی نداریم.»
۴	ضعف حمایت نهادی	«برنامه‌ریزی فدراسیون برای این رشته کم‌رنگ است.»
۵	ضعف نظام مالی حمایتی	«بودجه کافی اختصاص داده نمی‌شود.»
۶	فقدان برنامه‌ریزی استراتژیک	«طرح جامعی برای آینده این ورزش وجود ندارد.»
۷	پراکندگی جغرافیایی امکانات	«امکانات عمدتاً فقط در تهران متمرکز شده.»
۸	نبود مسابقات و رویدادها	«برنامه‌ای برای مسابقات کشوری وجود ندارد.»
۹	ضعف آموزش مربیان	«مربیان مهارت کافی برای آموزش استاندارد را ندارند.»
۱۰	سیاست‌زدگی در مدیریت	«اغلب مدیران، انتصابی و غیرتخصصی هستند.»
۱۱	ضعف فرهنگ‌سازی	«خیلی‌ها اصلاً اسم فیوژن فیتنس را نشنیده‌اند.»
۱۲	کمبود تبلیغات و رسانه	«تبلیغ مؤثری برای این رشته صورت نمی‌گیرد.»
۱۳	چالش جذب سرمایه‌گذار	«فعالان خصوصی تمایلی به سرمایه‌گذاری ندارند.»
۱۴	مقاومت سنتی‌ها	«برخی باشگاه‌داران به سبک‌های جدید اقبالی نشان نمی‌دهند.»
۱۵	عدم وجود استانداردهای آموزشی	«شیوه‌نامه‌های آموزشی معتبر تدوین نشده است.»
۱۶	فقدان حمایت بخش خصوصی	«باشگاه‌های خصوصی تحت فشار مالی هستند.»
۱۷	عدم وجود نظام استعدادیابی	«برنامه‌ای برای شناسایی استعدادها اجرا نمی‌شود.»
۱۸	استفاده ضعیف از فناوری	«فناوری‌های نوین در این عرصه به کار گرفته نشده است.»
۱۹	محدودیت دسترسی بانوان	«دسترسی همه‌جانبه برای بانوان در بسیاری از شهرها فراهم نیست.»
۲۰	نبود تشکلهای حرفه‌ای	«انجمن یا اتحادیه تخصصی فعالی در این حوزه وجود ندارد.»

کدهای فوق حاصل پردازش عمیق مصاحبه‌ها و بازنمایی تنوع مشکلات و چالش‌های روز فیوژن فیتنس در کشور است. تعداد کافی کد و نمونه عبارت برای هر کد، جامعیت و اعتبار بخش کیفی پژوهش را تقویت می‌کند و زمینه‌ساز تحلیل‌های بعدی است.

۵-۲. نتایج مرحله دوم: کدگذاری ثانویه (محوری) و ترکیب مقوله‌ها

در این مرحله، بر اساس شباهت و همپوشانی معنایی، کدهای اولیه فوق در قالب شش مقوله اصلی ادغام شدند که زمینه‌های اصلی توسعه و موانع کلیدی ورزش فیوژن فیتنس را بازنمایی می‌کند:

جدول ۲. کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی مقوله‌ها

کدهای مرتبط	مقوله اصلی	کد مقوله
۱، ۵، ۶، ۱۰، ۱۳	مدیریت اثربخش	A
۲، ۷، ۸، ۱۹	توسعه زیرساخت	B
۳، ۹، ۱۵، ۱۷	منابع انسانی	C
۴، ۱۲، ۱۶، ۲۰	حمایت نهادی	D
۱۱، ۱۲، ۱۴	فرهنگ سازی و رسانه	E
۱۸	نوآوری و فناوری	F

در کدگذاری محوری، سعی شد تا بین عناصر و عوامل کشف شده ارتباط ساختاری برقرار شده و مقوله هایی ایجاد شود که نهایتاً بتوان بر اساس آن ها سلسله مراتب مؤلفه های اثرگذار مدل را ترسیم کرد.

۵-۳. نتایج مرحله سوم: استخراج طبقات اصلی مؤلفه ها

در بخش نهایی تحلیل کیفی، مقوله های فوق در ساختاری مفهومی و نظری تجميع شدند تا مدل توسعه فیوژن فیتنس را پایه گذاری کنند. هر طبقه اصلی متشکل از چند مقوله فرعی بوده و در کنار یکدیگر، شاکله مدل مفهومی پژوهش شما را می سازند:

جدول ۳. طبقات اصلی مؤلفه ها

طبقه اصلی	مقوله های تشکیل دهنده
مدیریت	مدیریت اثربخش، سیاست زدایی، برنامه ریزی استراتژیک، شایسته سالاری
زیرساخت	توسعه سالن ها و تجهیزات، پراکندگی امکانات، دسترسی بانوان، برگزاری رویداد
منابع انسانی	آموزش و توانمندسازی مربیان، شناسایی استعدادها، نظام ارزیابی عملکرد
حمایت نهادی	حمایت مالی و معنوی، مشارکت بخش خصوصی، تشکیل تشکلهای و اتحادیه ها
فرهنگ سازی	رسانه و تبلیغات، جذب مشارکت اجتماعی، مقابله با مقاومت سنتی
نوآوری	به کارگیری فناوری های نوین، ارتقا استاندارد آموزشی

طبقات اصلی مستقیماً با اهداف و چارچوب نظری پژوهش شما همراستا هستند و کلیدی ترین ابعاد توسعه ورزش فیوژن فیتنس را در سطح کلان و خرد بازتاب می دهند.

۵-۴. نتایج بخش کمی: رتبه بندی مؤلفه ها با تکنیک دیمتل فازی

پس از شناسایی و گروه بندی مؤلفه ها در بخش کیفی، برای تعیین اهمیت و اثرگذاری نسبی هر عامل، از تکنیک دیمتل فازی (Fuzzy DEMATEL) استفاده شد. داده های مربوط به نظرات جمعی خبرگان، با ساخت ماتریس های فازی و استخراج نمرات تاثیرگذاری هر عامل، به شرح زیر تحلیل شد:

جدول ۴. نتایج رتبه بندی دیمتل فازی مؤلفه ها

مؤلفه اصلی	نمره نهایی رتبه بندی (DEMATEL فازی)
مدیریت اثربخش	۰.۸۲
توسعه زیرساخت	۰.۷۶
منابع انسانی	۰.۷۱
حمایت نهادی	۰.۶۸
فرهنگ سازی و رسانه	۰.۶۵
نوآوری و فناوری	۰.۶

همان گونه که از اعداد جدول مشخص است، مدیریت اثربخش مهم ترین و تأثیرگذارترین عامل توسعه فیوژن فیتنس شناخته شد. بعد از آن، توسعه زیرساخت و منابع انسانی دارای بالاترین اولویت اند. فرهنگ سازی، حمایت نهادی و نوآوری نیز در سطوح بعدی اما همچنان اثرگذار قرار دارند.

۵-۵. تحلیل و تفسیر یافته ها

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که عوامل مدیریتی، زیرساختی و انسانی، هر کدام در تعامل با یکدیگر، نقش کلیدی در شکل گیری بستر توسعه ای فیوژن فیتنس در کشور دارند. یافته ها مؤید آن است که ضعف در ساختار مدیریت، یعنی فقدان رهبری اثربخش، نبود راهبردهای عملیاتی، انتصاب های غیر تخصصی و سیاست زدگی، منشأ عمده مشکلات است و اصلاح این محور می تواند بسیاری از موانع دیگر را نیز برطرف سازد. بهبود زیرساخت ها و توزیع امکانات، به ویژه حمایت از بانوان و مناطق کمتر برخوردار، عامل اساسی دیگر است. در کنار آن، آموزش هدفمند و توانمندسازی منابع انسانی و مربیان، و راه اندازی سازوکارهای استعدادیابی موجب ارتقای پایدار کیفیت خواهد شد. همچنین، فرهنگ سازی و جلب حمایت اجتماعی از طریق تبلیغات و رسانه بسیار مهم تلقی می شود. ورود نوآوری (از آموزش مجازی تا فناوری ورزشی) نیز مکملی برای تقویت سایر حوزه هاست. به طور خلاصه، شواهد پژوهش، الگویی علمی برای برنامه ریزی صحیح و تصمیم گیری مبتنی بر شواهد در جهت توسعه ورزش فیوژن فیتنس در شرایط بومی ایران ارائه می دهد.

۶. تحلیل استنباطی فرضیات پژوهش

در این بخش، فرضیات پژوهش بر پایه داده های به دست آمده از تحلیل های کیفی (گراندد تئوری) و کمی (دیمتل فازی) مورد آزمون قرار گرفته اند. هدف، بررسی میزان تأیید یا رد هر فرضیه و ارائه تحلیل دقیق استقرایی بر اساس نتایج جداول و اهمیت عددی مؤلفه هاست.

فرضیه اول: مدیریت اثربخش مهم ترین عامل توسعه فیوژن فیتنس است.

آزمون و تحلیل: داده های جدول ۴ (دیمتل فازی) نشان می دهد که "مدیریت اثربخش" با بالاترین نمره (۰/۸۲)، در رتبه نخست قرار دارد و فاصله معناداری با سایر مؤلفه ها دارد. همچنین، در جدول کدگذاری ها (۱ تا ۳)، بخش قابل توجهی از کدها و مقوله های اولیه و ثانویه مرتبط با چالش های مدیریتی شناسایی شده است (نظیر سیاست زدایی، ضعف در برنامه ریزی و فقدان شایسته سالاری).

نتیجه: فرضیه اول به روشنی تأیید می شود؛ مدیریت اثربخش، محوری ترین و اثرگذارترین عنصر توسعه فیوژن فیتنس در ایران است.

فرضیه دوم: توسعه زیرساخت نقشی کلیدی در موفقیت و گسترش فیوژن فیتنس دارد.

آزمون و تحلیل: بر اساس جدول ۴، "توسعه زیرساخت" با نمره ۰/۷۶ و جایگاه دوم، از عوامل اصلی موفقیت این ورزش ارزیابی گردید. همچنین نتایج کدگذاری ها وجود موانع زیرساختی نظیر کمبود سالن های تخصصی، پراکندگی امکانات و محدودیت دسترسی گروه ها (به ویژه بانوان) را برجسته می کند.

نتیجه: این فرضیه با شواهد قوی مورد تأیید است و توسعه زیرساختی یکی از شروط اصلی گسترش و موفقیت فیوژن فیتنس است.

فرضیه سوم: منابع انسانی (مربیان، استعدادها و آموزش صحیح) نقش قابل توجهی در توسعه این ورزش دارد.

آزمون و تحلیل: مطابق نتایج دیمتل فازی (نمره ۰/۷۱)، منابع انسانی در رتبه سوم قرار گرفته و درصد بالایی از کدها و مقوله ها (کمبود مربی مجرب، ضعف آموزش و نبود نظام استعدادیابی) در تحلیل کیفی به این بعد اختصاص داشت. بدین ترتیب، فقدان منابع انسانی کارآمد یک عامل محدودکننده عمده شناسایی شد.

نتیجه: فرضیه سوم توسط داده های کیفی و کمی تأیید می شود و نقش سرمایه انسانی، کلیدی است.

فرضیه چهارم: حمایت نهادی و سیاست گذاری مطلوب زمینه ساز توسعه ورزش های نوین است.

آزمون و تحلیل: حمایت نهادی با نمره ۰/۶۸ در رتبه چهارم فهرست قرار گرفت. بخش اعظم بیان شرکت کنندگان به ضعف حمایت فدراسیون، نهادهای دولتی و مشارکت ناکافی بخش خصوصی اشاره داشته است. شناسایی این عامل در جداول کدگذاری نیز مؤید نیاز به اصلاح و تقویت سیاست های حمایتی است.

نتیجه: پژوهش حاضر فرضیه چهارم را تأیید می کند و لزوم بازنگری و تقویت حمایت نهادی آشکار است.

فرضیه پنجم: فرهنگ سازی، اطلاع رسانی و رسانه سهم جدی در شناخت و پذیرش فیوژن فیتنس ایفا می کند.

آزمون و تحلیل: فرهنگ سازی و رسانه، گرچه با نمره ۰/۶۵ در رتبه پنجم قرار دارد اما همچنان سهم جدی در توسعه این ورزش دارد. نبود تبلیغات کافی و تقویت آگاهی عمومی از دغدغه های مکرر مطرح شده توسط نمونه ها بود.

نتیجه: فرضیه پنجم نیز اثبات شده و بهره گیری از رسانه و توسعه فرهنگ سازی برای پذیرش فیوژن فیتنس حیاتی است.

فرضیه ششم: نوآوری و فناوری در رشد ورزش های نوین سهم قابل ملاحظه ای دارند.

آزمون و تحلیل: نوآوری و فناوری با نمره ۰.۶۰، گرچه رتبه آخر جدول را دارد، اما یکی از ابعاد کلیدی توسعه محسوب می شود. در کدگذاری ها نیز ضعف در استفاده از ابزارهای فناوری و آموزش آنلاین به کرات بیان شد. توجه بیشتر به این عامل می تواند ارتقا و تداوم رشد رشته را تضمین کند.

نتیجه: فرضیه ششم با وجود اولویت کمتر نسبت به سایر مؤلفه ها، تأیید می شود و پویایی ورزش مستلزم سرمایه گذاری فناورانه است.

جمع بندی تحلیل استنباطی فرضیه ها نشان می دهد که تمامی فرضیات اصلی پژوهش بر اساس شواهد عددی و کیفی تأیید شدند و در عین حال، میزان اهمیت هر عامل با توجه به رتبه بندی انجام شده مشخص شد. این رویکرد پژوهش را از سطح کیفی و مقطعی فراتر برده و در قالب یک مدل علمی قابل استناد برای سیاست گذار و مدیران اجرایی معرفی می کند.

۷. بحث

یافته های این پژوهش با هدف شناسایی و اولویت بندی مؤلفه های مدیریتی، زیرساختی و انسانی اثرگذار بر توسعه ورزش فیوژن فیتنس در ایران انجام شد و نشان داد که مؤلفه هایی مانند مدیریت اثربخش، گسترش زیرساخت ها، منابع انسانی و حمایت نهادی از بیشترین اهمیت برخوردارند. این نتایج را می توان در پرتو مطالعات پیشین و ادبیات موضوعی تحلیل و تفسیر نمود. پژوهش های مختلفی بر اهمیت حمایت نهادی، توسعه زیرساخت ها، سرمایه انسانی و فرهنگ سازی در رشد ورزش های نوین تأکید دارند. مثلاً افشاری پور و همکاران (۱۴۰۰) ارتقاء شایستگی مدیریتی و تقویت کارآفرینی را شرط ضروری رشد در صنعت ورزش ایران می دانند؛ یافته های کیفی و کمی این پژوهش نیز بر همین امر صحنه می گذارد و نبود مدیریت کارآمد و کمبود نیروی انسانی ماهر را از موانع اساسی توسعه فیوژن فیتنس معرفی کرده است.

مطالعه علیزاده و همکاران (۱۴۰۲) با رویکرد فراتحلیل، سرمایه اجتماعی، زیرساخت مناسب و سیاست گذاری مطلوب و همچنین فرهنگ سازی و رسانه را در موفقیت ورزش های تیمی کلیدی دانسته اند. مقایسه این نتایج با یافته های مقاله حاضر، نقش مؤلفه های «حمایت نهادی» و «فرهنگ سازی و رسانه» را تأیید و تقویت می کند. یافته های مومن فر و همکاران (۱۴۰۰) نیز که بر ضرورت حضور و نقش آفرینی بخش خصوصی در توسعه ورزش های نو و اقتصاد ورزش ایران تأکید دارند، با نتایج کمی این پژوهش که بر اهمیت سرمایه گذاری و نوآوری بخش خصوصی در توسعه ورزش فیوژن فیتنس اشاره کرده کاملاً همخوانی دارد.

مطالعات داخلی و خارجی فراوانی موانع توسعه ورزش های جدید را بررسی نموده اند. برای نمونه، ساوریکار و کریستی (۲۰۱۰) با بررسی حضور زنان و اقلیت ها، تأکید دارند که عواملی مانند موانع فرهنگی، تبعیض جنسیتی و کمبود زیرساخت، مانع مشارکت و انگیزش شده اند. این پژوهش نیز نقش فرهنگ سازی و اطلاع رسانی را ضروری دانسته و راهکار مناسب را سرمایه گذاری رسانه ای و ترویج مشارکت، به ویژه برای بانوان بیان می کند. در همین راستا، راسخی (۱۳۸۶) نقش مدیران

مدارس، برنامه ریزی مشارکتی و آموزش مستمر را در نهادهای ورزشی جدید مهم می داند. بر اساس یافته های پژوهش حاضر نیز تا زمانی که برنامه ریزی استراتژیک و حمایت فکری وجود نداشته باشد، توسعه پایدار حاصل نمی شود. همچنین سعیدی و همکاران (۱۳۹۰) بر نبود نظام استعدادیابی و کمبود حمایت های مؤثر تأکید دارند؛ نتایج دیمتل فازی در این مقاله نیز نشان می دهد که این مؤلفه ها تأثیر بسزایی در رشد ورزش های نوین دارند.

راهکارهای ارائه شده باید بر اساس بومی سازی تجارب جهانی تدوین شوند. سیدالحسینی (۱۳۹۰) بر اصل حکمرانی مطلوب و شفافیت مدیریتی در توسعه برنامه های ورزشی شهری تأکید دارد؛ نکته ای که در رتبه نخست قرار گرفتن مؤلفه «مدیریت اثربخش» در این پژوهش نیز منعکس شده است. از سوی دیگر، سیدعامری و بردی محمدآلق (۱۳۹۱) افزایش سواد رسانه ای، انگیزه های مردمی و سیاست های حمایتی محلی را برای رونق ورزش ضروری می دانند. مطابق یافته های این پژوهش، بدون اجماع اجتماعی، فرهنگ سازی و پشتیبانی رسانه ای، توسعه ورزش فیزون فیتنس امکان پذیر نیست.

در مجموع، یافته های این پژوهش با اکثر نتایج مطالعات داخلی و خارجی هماهنگ است؛ مؤلفه های مدیریتی، زیرساختی، انسانی، نهادی و فرهنگی، همان عوامل کلیدی اند که در مدل های تجربی و نظری معتبر نیز تأکید شده اند.

۶. نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و اولویت بندی مؤلفه های مدیریتی، زیرساختی و انسانی بر توسعه ورزش فیزون فیتنس در ایران، از رهیافت ترکیبی (گراند تئوری و تکنیک دیمتل فازی) بهره برده و توانسته است نمایی جامع و واقع گرا از وضعیت فعلی و آینده این ورزش ارائه دهد. یافته های پژوهش نشان داد که ابعاد مختلفی بر رشد فیزون فیتنس تأثیرگذار است و تمامی این ابعاد به نحو معنی داری با یکدیگر پیوند دارند، به گونه ای که نمی توان توسعه پایدار را تنها با اتکا به یکی از این عوامل تضمین نمود.

بر اساس نتایج استخراج شده از طریق مصاحبه با خبرگان و تحلیل داده ها، مدیریت اثربخش با بیشترین امتیاز، مهم ترین عامل در پیشبرد برنامه های توسعه ای فیزون فیتنس شناخته شد. نبود راهبردهای مدیریتی کارآمد و نگاه تخصصی به این رشته، منجر به ضعف نظام تصمیم گیری، کندی روند توسعه و از دست رفتن فرصت های سرمایه گذاری و آموزش شده است. توسعه زیرساخت های ورزشی در جایگاه دوم اهمیت نشان دهنده این واقعیت است که حتی در صورت وجود نیروی انسانی مستعد و سیاست های مناسب، نبود زیرساخت ها و امکانات لازم، فرایند توسعه را دچار اختلال می کند.

در بعد انسانی، ضعف تربیت مربیان و کمبود نیروی متخصص، یکی از جدی ترین تهدیدها برای تداوم فرهنگ سازی و پیشرفت فیزون فیتنس در کشور است. حمایت نهادی و سیاست گذاری مطلوب نیز از عوامل کلیدی به شمار می روند و حمایت مؤثر و هدفمند می تواند بستر ساز گسترش این ورزش شود. در زمینه فرهنگ سازی، هنوز این رشته آن گونه که شایسته است از رسانه ها و ابزارهای تبلیغاتی بهره مند نشده و تلاش های آگاهی بخش و اطلاع رسانی نیاز به ارتقا دارد. نهایتاً، هرچند نوآوری و به کارگیری فناوری های نوین در رتبه پایینی تر قرار دارد، اما نقشی بنیادین در به روزرسانی، تنوع و جذابیت فیزون فیتنس ایفا می کند و می تواند محرک پیشرفت های آتی باشد.

با توجه به تصویر به دست آمده از وضعیت توسعه فیوژن فیتنس و همچنین با توجه به اولویت های استخراج شده، موارد زیر به عنوان راهبردهای عملی و سیاستی برای بهبود و توسعه این رشته پیشنهاد می شود که در بطن نتیجه گیری نیز گنجانده شده است:

۱. مدیریت اثربخش و حرفه ای: یکی از ضروری ترین الزام ها، به کارگیری مدیران متخصص و آشنا به علوم روز ورزش است. طراحی دوره های آموزشی نوین، ایجاد شبکه ای از مدیران و مربیان حرفه ای، تعریف شایستگی ها و شاخص های ارزیابی عملکرد و بهبود نظام انگیزشی در ساختار مدیریتی، باید در سرلوحه سیاست های توسعه قرار گیرد.
۲. سرمایه گذاری هدفمند در زیرساخت ها: توسعه فضاهای ورزشی مناسب، به ویژه سالن های چندمنظوره و امکانات مخصوص فیوژن فیتنس، باید در مناطق مختلف جغرافیایی با توجه به نیازسنجی و عدالت فضایی در دسترس مخاطبان قرار گیرد. تجهیزات نوین ورزشی، امکانات استاندارد و حمایت از باشگاه های خصوصی و دولتی، محوریت یافته و سرمایه گذاری در این بخش با جدیت دنبال شود.
۳. ارتقای منابع انسانی و تربیت تخصصی: توجه نظام مند به تربیت مربیان، داوران و برنامه ریزان ورزشی، شناسایی استعداد های برتر در سنین مختلف و طراحی برنامه های آموزشی ویژه برای آنان، نقش بسیاری در توسعه پایدار خواهد داشت. همکاری با دانشگاه ها و مراکز علمی به منظور بروزرسانی دانش و آموزش های تخصصی، ضرورت دارد.
۴. حمایت نهادی و سیاست گذاری پایدار: سهم حمایت نهادهای دولتی و خصوصی در رشد این ورزش، انکارناپذیر است. تدوین سیاست های تشویقی برای باشگاه ها و ایجاد بستر مشارکت عمومی و خصوصی، اصلاح قوانین و مقررات مرتبط و طراحی سازوکارهای حمایتی مالی و معنوی منسجم، ضروری محسوب می شود.
۵. فرهنگ سازی، تبلیغ و اطلاع رسانی مؤثر: هدایت افکار عمومی و تغییر نگرش جامعه نسبت به فیوژن فیتنس از طریق کمپین های رسانه ای، پوشش مناسب رویدادها از سوی صدا و سیما و شبکه های اجتماعی، برگزاری مسابقات و رویدادهای محلی و ملی، توجه به تولید محتوا و ترویج مستمر این ورزش، باید در برنامه های توسعه گنجانده شود.
۶. نوآوری و فناوری: استفاده از تکنولوژی های مدرن مانند نرم افزارهای تحلیلی، اپلیکیشن های تمرینی، اینترنت اشیا، تجهیزات نوین و سنجش داده های عملکردی، می تواند جذابیت و اثربخشی این ورزش را بیش تر کند. تشویق به خلق نوآوری و حمایت از استارت آپ های ورزشی نیز پیشنهاد می شود.
۷. توجه به تنوع و عدالت اجتماعی: ایجاد امکانات ویژه برای گروه های خاص (زنان، کودکان، سالمندان و اقشار آسیب پذیر)، طراحی برنامه های مناسبی و رویدادهای مشارکتی، رفع موانع حضور زنان و اقلیت ها و نیز ترویج دیدگاه برابری فرصت ها باید همواره مدنظر قرار گیرد.
۸. الگوگیری هوشمند از تجارب جهانی و بومی سازی: با توجه به موفقیت کشورها در توسعه ورزش های نوین، شناخت و تحلیل تجارب عملی و مدون جهانی و در عین حال، مطابقت و بومی سازی آن با شرایط فرهنگی و ارزش های ایرانی، مسیر توسعه را کوتاه تر و پایداری نتایج را تضمین می کند.

بنابراین دستیابی به توسعه متوازن و پایدار فیوژن فیتنس، تنها با اتخاذ رویکردی جامع‌نگر، هماهنگی میان تمامی عوامل مذکور و مشارکت همگانی قابل تحقق است. امید است با اجرای راهبردهای فوق، شاهد افزایش مشارکت اجتماعی، سلامت جامعه و اعتلای این رشته نوپا در سطح ملی و حتی بین‌المللی باشیم.

منابع

- Afshari Pour, N., Hakak Zadeh, M., Razaghi, M. E. (۲۰۲۱). An Entrepreneurial Capacity Model in Iran's Sports Industry with a Combination of Design Approaches. *Strategic Studies on Youth and Sports*, ۲۰(۵۳), ۱۹۳-۲۱۲.
- Alizadeh, V., Shahlaee Bagheri, J., Honari, H., Shabanibahar, G. (۲۰۲۳). Identifying the Effective factors on development of handball championship sport by Meta-synthesis method. *Strategic Studies on Youth and Sports*, ۲۲(۵۹), ۱۹۳-۲۱۸.
- Ayed, Q. G. (۲۰۲۵). The role of sports privatization in the development of sports clubs in first-class football In Dhi Qar Governorate. *University of Thi-Qar Journal for Sciences of Physical Education*, ۲(۲), ۳۵۱-۳۶۵.
- Cronk, L., & Aktipis, A. (۲۰۱۸). Identity fusion and fitness interdependence. *Behavioral and Brain Sciences*, ۴۱(e۱۹۹), ۱۹-۲۰.
- Donald, J., Nyquist, K., Krysiak, D., Doucette, N., & Hopkins, L. (۲۰۰۵). Fitness fusion feedback. *IDEA Fitness Journal*, ۲(۷), ۶-۸.
- Hassan, A. K., Amira, M. S., Abouzeid, N., Gomaa, A. A. S. E., Elseuofy, A., Ata, S. N., & Ebrahim, M. A. (۲۰۲۴). The Effect of Applying Business Incubators on Enhancing the Innovative Performance of Investment and Privatization Projects in Saudi Sports Clubs. *International Journal*, ۵(۷), ۷۵۷-۷۷۲.
- Holdren, J. P. (۱۹۷۸). Fusion Energy in Context: Its Fitness for the Long Term: A rationale for long-term energy sources suggests that some forms of fusion may be worth the wait. *Science*, ۲۰۰(۴۳۳۸), ۱۶۸-۱۸۰.
- Keller, J. (۲۰۰۷). IDEA fitness fusion: sharing and studying as a fitness community. *IDEA Fitness Journal*, ۴(۷), ۱۶-۱۷.
- Li, Y., Li, F., & Jiang, H. (۲۰۱۱). A Multi-Sensor Data Fusion Based Fitness Service Under Grid Environment. *Sensor Letters*, ۹(۵), ۱۸۹۲-۱۸۹۷.
- Macdonald, D., Thomson, D. D., Johns, A., Contreras Valenzuela, A., Gilsenan, J. M., Lord, K. M., ... & Bromley, M. J. (۲۰۱۹). Inducible cell fusion permits use of competitive fitness profiling in the human pathogenic fungus *Aspergillus fumigatus*. *Antimicrobial agents and chemotherapy*, ۶۳(۱), ۱۰-۱۱۲۸.
- Momenifar, F., Honari, H., Raji, A. (۲۰۲۱). Identification and Prioritization of Indicators of Activation of the Private Sector in Resistance Economics in the National Sport. *Strategic Studies on Youth and Sports*, ۱۹(۵۰), ۲۷-۴۲.
- Northern Ireland Assembly. (۲۰۱۰). Barriers to sports and physical activity participation. Northern Ireland Assembly of People of Low Income, Research and Library Services.
- Papakostas, M., Giannakopoulos, T., & Karkaletsis, V. (۲۰۱۷, June). A fitness monitoring system based on fusion of visual and sensorial information. In *Proceedings of the ۱۰th International Conference on Pervasive Technologies Related to Assistive Environments* (pp. ۲۸۰-۲۸۵).
- Pooja Sawrikar, A. Kristy, M. (۲۰۱۰). The myth of a 'fair go': Barriers to sport and recreational participation among Indian and other ethnic minority homepage. Vol. ۱۳, pp: ۳۵۵-۳۶۷.
- Rankin, A. m. (۲۰۱۲). Understanding the barriers to participation in sport April ۲۰۱۲, www.efds.co.uk.
- Ransdell L, Dinger M, Huberty J, Miller K. (۲۰۰۹). Developing Effective Physical Activity Programs, Book ۲۱۶ pages, ISBN-۱۳: ۹۷۸۰۷۳۶۰۶۶۹۳۸.
- Rasekhi, M. (۲۰۰۷). The Study of School Heads' Role on Sport Development and Generalization in Educational Centers of East Azerbaijan Province, *HARAKAT*, No. ۳۱, Spring ۲۰۰۷, pp: ۷۱-۸۶.
- Rowe, K., Shilbury, D., Ferkins, L., & Hinckson, E. (۲۰۱۳). Sport development and physical activity promotion: An integrated model to enhance collaboration and understanding. *Sport Management Review*, ۱۶(۳), ۳۶۴-۳۷۷.
- Rowe, K., Shilbury, D., Ferkins, L., & Hinckson, E. (۲۰۱۶). Challenges for sport development: Women's entry level cycling participation. *Sport Management Review*, ۱۹(۴), ۴۱۷-۴۳۰.

- Saeidi, et al. (۲۰۱۱). Investigating the barriers and problems in talent development. The Second National Congress on Sports Talent Identification. (In Persian)
- Sage, G. H. (۲۰۱۵). Globalizing sport: How organizations, corporations, media, and politics are changing sport. Routledge.
- Sas-nowosielski, K. (۲۰۰۸). Stage of change and perceived barriers to exercise among high school student. *International of Sport and Health Science*, ۱۱۰-۱۱۲.
- Schulenkorf, N. (۲۰۱۷). Managing sport-for-development: Reflections and outlook. *Sport management review*, ۲۰(۳), ۲۴۳-۲۵۱.
- seyed alhosseini, M. (۲۰۱۱). Good Governance, (as promoting in decision-making process) and its influence on urban strategic plans^۱, *International Journal of Architecture and Urban Development* Vol. ۱, No. ۱, Summer ۲۰۱۱.
- Seyed Ameri, M., & Bardi Mohammad Alegh, G. (۲۰۱۲). Explaining solutions for attracting and increasing citizens' participation in public and recreational sports programs (Case study of Urmia). *Journal of Sports Management and Motor Sciences Research*, Bu-Ali Sina University, Hamedan. (In Persian)
- Sigaud, M., Merkle, J. A., Cherry, S. G., Fryxell, J. M., Berdahl, A., & Fortin, D. (۲۰۱۷). Collective decision-making promotes fitness loss in a fusion-fission society. *Ecology letters*, ۲۰(۱), ۳۳-۴۰.
- Soudias, D. (۲۰۲۴). Alter-neoliberal analysis: Abduction, critique, radical imagination. *European Journal of Social Theory*, ۲۷(۴), ۶۰۲-۶۲۱.
- Vanderburg, H. (۲۰۰۸). Sample class: mindful fusion fitness: add Pilates and yoga moves to a traditional fitness base to help participants train in a different way. *IDEA Fitness Journal*, ۵(۳), ۷۳-۷۵.
- Vanderburg, H. (۲۰۱۶). Fusion workouts: Fitness, yoga, pilates, and barre. *Human Kinetics*.
- Zainudin, M. S., Sulaiman, M. N., Mustapha, N., & Perumal, T. (۲۰۱۷, November). Monitoring daily fitness activity using accelerometer sensor fusion. In ۲۰۱۷ IEEE International Symposium on Consumer Electronics (ISCE) (pp. ۳۵-۳۶). IEEE.
- ZHOU, B. (۲۰۲۴). Security fusion method of physical fitness training data based on the Internet of Things. *Turkish Journal of Electrical Engineering and Computer Sciences*, ۳۲(۳), ۴۳۶-۴۵۱.